

آئین و رسوم مهریه نزد برخی مسلمانان در سده اول و دوم هجری

سید علیرضا واسعی*
زکیه سادات امیری**

چکیده

«مهریه» به عنوان یکی از ارکان ازدواج، سنتی دیرپا در میان مسلمانان است که از رسوم و شیوه‌های خاصی تبعیت می‌کند. هرچند این رسم از امور امضایی شریعت اسلامی است، اما تغییراتی در آن پدید آمد؛ تغییراتی چون میزان مهر و تعلق وجه آن به خود زن که جایگزین رسوم پیشین شد. این رسم در ادوار مختلف اسلامی تابع دگرگونی اوضاع معیشتی مسلمانان دچار تحولاتی شد و با همه تأکیدات اسلامی، و با شکل‌گیری مهرالسنه در جامعه اسلامی و اصرار بر اخلاقی بودن آن، هیچ‌گاه الگوی روشنی مورد اتباع مسلمانان قرار نگرفت. به دلایل گوناگون، این مقوله راهی پر فراز و نشیب پیموده و تحولاتی در چگونگی آن در جامعه اسلامی روی داد. در این مقاله کوشیده شد تا تصویری از این رسم در دو سده اولیه اسلامی که به گونه‌ای ظرف تحقق سنت اسلامی است، ارائه شود.

واژگان کلیدی

مهریه، آداب و رسوم، صداق، جامعه اسلامی، هدیه، سنت دینی.

طرح مسئله

سنت اعطای مهر از دیرباز در میان بیشتر اقوام و تمدن‌های مختلف با آداب و رسوم متفاوت رایج بوده و هم‌اکنون نیز در بسیاری از جوامع مطرح و مورد پذیرش است. مسلمانان نیز با پشتوانه دینی،

vaseiali@yahoo.com

z.amiry2000@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۶

*. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** کارشناسی ارشد تاریخ اسلام.

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۸

به چنین رسمی پایبندی نشان داده و آن را مورد توجه قرار داده اند. آنچه امروزه بیشتر در مورد مهریه و ماهیت آن مطرح است اینکه، مهر نوعی ضمان مالی برای زن در تداوم زندگی مشترک یا استمرار معیشت و حمایت مالی او در طلاق است. چنین دیدگاهی سبب گشته مهریه مبالغ بالایی را به خود اختصاص دهد و گاه موانع و مشکلات جدی ای را طی زندگی زناشویی افراد به وجود آورد. از دیگر سو با تغییر شیوه‌های معیشتی زنان و امکان تحصیل و کسب درآمد آنان، شبهاتی پیرامون مهریه مطرح می‌شود؛ از جمله آنکه چرا مرد موظف به پرداخت آن است و زن به عنوان یکی از طرفین عقد نکاح چه حقی برای دریافت آن دارد؟

برخی اندیشوران مسلمان در پاسخ به چنین پرسش‌هایی، فلسفه مهریه را مورد بحث قرار داده و نظرات متفاوتی پیرامون آن ارائه کرده‌اند. در این میان عده‌ای اساساً مهر را یادگاری از دوران جاهلی دانسته و آن را نوعی توهین به زن تلقی می‌کنند. در نگره این دسته، مهر نوعی پرداخت بهای زن است که خود نگرش ابزاری و کالایی به زن را همراه دارد.^۱

برخی دیگر مهریه را در مقابل حق طلاق قرار می‌دهند و برآنند که با توجه به تساوی مرد و زن در مقام آفرینش، پرداخت بها یا اجرت از طرف یکی به دیگری، منطقی و دلیل عقلانی ندارد؛ زیرا همان‌گونه که مرد به زن احتیاج دارد، زن هم به مرد نیازمند است و آفرینش، آنها را محتاج به یکدیگر خلق کرده است. در این وضع هردوی آنان با یکدیگر مساوی اند؛ از این رو الزام یکی به دادن وجهی به دیگری بی‌دلیل خواهد بود. لکن از آن رو که طلاق در اختیار مرد است و زن برای زندگی مشترک تأمین نمی‌دارد، این حق به زن داده شده تا علاوه بر اعتماد بر شخصیت زوج، نوعی وثیقه و اعتبار مالی از مرد مطالبه کند.^۲ بنابراین مهریه در مقابل حق طلاق مرد به زن تعلق می‌گیرد.

هرچند نمی‌توان وجه حمایتی مهریه در ازدواج را برای زن انکار کرد، اما در تبیین و شناخت ماهیت مهر استاد شهید مطهری نظر جامع‌تری را مطرح می‌کند. ایشان با بیان یک‌سری دلایل روان‌شناسانه، مهر را نتیجه تدبیر ماهرانه خلقت بیان می‌کند که در متن آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنان به یکدیگر به کار رفته است. لذا مهریه سازگار با نیازهای زن و مرد و هماهنگ با طبیعت آنان است؛ چراکه عشق از ناحیه مرد آغاز و زن پاسخ‌گوی اوست و مرد برای احترام و قدردانی از زن، هدیه‌ای نثار او می‌کند.^۳ شاید بتوان گفت این نظر با عنایت به برخی آیات قرآن کریم قابل پذیرش است؛ زیرا خداوند نیز مهریه را نَحْلَه و عطیه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَآتُوا النِّسَاءَ

۱. شرف‌الدین، تبیین جامعه‌شناختی مهریه، ص ۲۲۸؛ قائم‌مقامی، آزادی یا اسارت زن، ص ۳۱۲.

۲. مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۳۳۴.

۳. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۸۵.

صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً.^۱ بر این اساس می‌توان گفت مهر، هدیه مردان به همسران خویش است؛ چون نحلّه به معنای عطیه و بخشش بدون عوض است.^۲

به هر روی، مهریه با اینکه در دوره‌های مختلف اسلامی از آداب و رسوم مختلفی پیروی کرده و مقادیر مختلفی را به خود اختصاص داده، اما همواره به رضایت طرفین ازدواج بستگی داشته است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم بر آن مهر تأیید زده است:

وَأَنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا
أَتَأْخُذُونَ بَهْتَانًا وَائْتِمَاءً مَبِينًا.^۳

با این حال نوع و اندازه مهریه در میان مسلمانان با شیوه‌های معیشتی و باورها و ارزش‌های آنان ارتباطی مستقیم داشته است.

نوشتار حاضر درصدد پاسخ دادن به این سؤال اصلی است که این هدیه و شیوه‌های تعیین مقدار آن در سده اول و دوم هجری در میان مسلمانان از چه آداب و رسومی پیروی می‌کرده و شیوه‌های معیشتی و فرهنگی آنان تا چه اندازه در این رسم دخیل بوده است؟ ناگفته پیداست که دو سده اول و دوم هجری از آن جهت که پایه‌های اولین جامعه اسلامی در آن پی‌ریزی شده و آداب و رسوم اسلامی به تدریج جایگزین رسوم جاهلی می‌شد، حائز اهمیت است. ضمن آنکه در این ادوار تغییرات مهمی در سرزمین‌های اسلامی روی داد و با تغییر شیوه‌های معیشتی، این رسم نیز دستخوش تحولاتی گشت.

ضرورت پرداختن به چنین مباحثی آن است که با وجود مباحث متعددی که پیرامون ماهیت و فلسفه مهر و جایگاه حقوقی و فقهی آن مطرح شده است، مبحث تاریخی آن مورد عنایت کمتری واقع شده و مباحث جدی در این زمینه صورت نگرفته است. با توجه به گسترده بودن شهرهای اسلامی در دوره مورد بحث، تنها به آداب و رسوم مهریه در شهرهای اصلی مسلمانان پرداخته خواهد شد.

شایان ذکر است که بنابر تعیین محدوده زمانی در این نوشتار، منظور از عصر عباسی، دوره اول آن، یعنی تا سال ۲۰۰ ق است و از آنجا که شیعیان در این دوره از جامعه مستقلی برخوردار نبوده‌اند، طبعاً سنت و ویژه‌ای در این خصوص از خود بروز نداده‌اند. از این رو به‌ناچار صرفاً به گزاره‌های تاریخی که در مورد ائمه شیعه علیهم‌السلام بیان شده، اشاره می‌شود.

۱. مهر زنان را به‌عنوان هدیه‌ایی الهی با میل و رغبت به آنان بدهید. (نساء: ۴)

۲. ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ج ۱۱، ص ۶۵۰؛ طوسی، *المبسوط فی فقه‌الامامیه*، ج ۳، ص ۳۰۸.

۳. اگر خواستید همسری دیگر به جای همسر پیشین جایگزین کنید و به همسر پیشین مال فراوانی به‌عنوان مهر پرداخت نموده‌اید چیزی از آن را پس نگیرید، آیا آن را با تکیه بر تهمت و گناهی آشکار پس می‌گیرید. (نساء: ۴)

مفهوم‌شناسی مهریه

لغت‌شناسان مهریه را هم‌ردیف صدق، کابین و صدقه به کار برده‌اند و در تعریف معنای آن آورده‌اند که مهر، مالی است که زن به واسطه نکاح مالک آن می‌شود.^۱ در قرآن کریم نیز در این معنا کلماتی چون صدق، اجر، نکاح و فریضه به کار رفته است.

برخی مورخان در مورد این لغت آورده‌اند که اصل این لغت سامی و مشتق از کلمه «موهار» است که پس از انتقال از لغت عبری به زبان عربی عنوان مهر را یافته است.^۲ برخی دیگر از لغویان از دو واژه «حلوان» و «نافجه» نیز ضمن مفاهیم مهریه در میان اعراب جاهلی یاد کرده‌اند. «حلوان» معانی متعددی دارد؛ از جمله حق دلالتی یا رشوه و هدیه‌ای که علاوه بر مزد، به کسی داده می‌شد و چون در میان اعراب جاهلی مهریه به ولی زن تعلق می‌یافت، این کلمه در معنای مهریه نیز به کار می‌رفت.^۳ در مورد «نافجه» چون بیشتر اعراب جاهلی شتر را به عنوان مهریه زنان تعیین می‌کردند، به دلیل کثرت استعمال این کلمه بر معنای مهریه نیز دلالت می‌کرد.^۴

رسم مهریه در میان اعراب جاهلی

بررسی آداب و رسوم مهریه در میان اعراب جاهلی برای تبیین و برجسته‌نمایی تغییراتی که اسلام در مورد این رسم پدید آورد، ضروری می‌نماید. از این رو پیش از پرداختن به مبحث مهریه در تاریخ اسلام، به شیوه‌ها، عادات و رسوم اعراب جاهلی در مورد مهریه می‌پردازیم.

مهریه در عربستان پیش از اسلام همچون بسیاری از دیگر ملل و اقوام آن زمان، به عنوان یکی از شروط اجتناب‌ناپذیر نکاح وجود داشت. شاید به همین سبب بود که هنگام به دنیا آمدن دختری در قبیله‌ای، اقوام و نزدیکان به خانواده دختر تبریک گفته و می‌گفتند: «هنياً لك النافجه»^۵ نافجه بر تو فرخنده باد. «نافجه» در لغت به معنای فزونی است و به شتری گفته می‌شد که هنگام ازدواج از سوی خانواده داماد به عروس پیشکش شده و بنابر رسم، این هدیه نیز علاوه بر مقدار مهریه به پدر و اولیای دختر تعلق می‌یافت. این مرکب که بیشتر از جنس شتر بود، به گله شتران پدر و قبیله دختر افزوده می‌شد، اما خود دختر سهمی در این مرکب و مقدار مالی که بابت مهریه و هدیه ازدواج پرداخت می‌شد،

۱. صفایی، حقوق خانواده، ص ۱۴۸.

۲. ترمذینی، الزواج عند العرب فی الجاهلیة و الاسلام، ص ۱۶۶.

۳. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۲۹۵.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۱۰.

۵. نیشابوری، مجمع الامثال، ج ۲، ص ۳۶۸؛ حلی، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص ۲۰۲.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۲.

نداشت.^۱ چنین روشی سبب شده بود تا مهریه در جامعه جاهلی بیشتر به عنوان بهای زن شناخته شود و نگرشی کالایی نسبت به او در جامعه مطرح گردد؛ چنان که وقتی مردی از دنیا می‌رفت، همسر او همراه با سایر اشیاء و اموالش به پسر بزرگ مرد به ارث می‌رسید. او نیز حق داشت بدون پرداخت مهر با آن زن ازدواج کند یا از ازدواج او با دیگری ممانعت نماید^۲ و حتی برای زن در این مورد قائل نشود؛ چنان که در نکاح شغار، دختران به جای مهریه یکدیگر قرار می‌گرفتند و ازدواج می‌کردند.^۳

زندگی قبیله‌ای و شیوه معیشت اعراب جاهلی نیز سبب شده بود تا میزان مهریه در میان قبایل مختلف، متفاوت باشد و بنابر تعصبات قبیله‌ای و تفاخرات جاهلی، به برتری‌های قبیله در جنگاوری و ثروت بستگی یابد؛^۴ هر چند بیشتر ازدواج‌ها در قبیله خودی صورت می‌گرفت و دختران بدو از آن پسرعموی خود بودند. این ازدواج‌ها با مهر کمتر یا بدون مهر صورت می‌گرفت و تنها در صورتی که پسرعمو با این وصلت موافقت نمی‌کرد، سایرین می‌توانستند از دختر خواستگاری و برای ازدواج با او اقدام کنند.^۵ یکی از اصول برجسته در میزان مهریه، جایگاه قبیله در میان اعراب بود و پس از آن، زیبایی و نسب دختر در قبیله اهمیت می‌یافت. ضمن آنکه موافقت والدین لازم بود و دختر حتی برای مخالفت با نظر ولی خود نداشت.^۶ همین امر گاه موجب پرداخت وجهی برای موافقت آنان می‌شد.

قبایلی که از شرافت و بزرگی در میان اعراب جایگاهی داشتند، مهریه‌های بسیار هنگفت در ازدواج قرار می‌دادند؛ چنان که قبیله کنده صد شتر به عنوان مهریه از خانواده داماد دریافت می‌کرد و به کمتر از این مقدار راضی نمی‌شد.^۷ البته این قبیله به غلو در مهریه میان اعراب نیز شهرت یافته بود.

مهریه حضرت خدیجه رضی الله عنها که از بزرگان قبیله قریش به حساب می‌آمدند، در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت آن حضرت بیست شتر جوان بود.^۸

مهریه در صدر اسلام

با ظهور اسلام بسیاری از عادات و رسوم ناپسند جاهلی از میان رفت و قوانین و تکالیف الهی

۱. نیشابوری، مجمع الامثال، ج ۲، ص ۳۶۸.
۲. ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج ۴، ص ۴۸۹.
۳. انبازی، الزاهر فی معانی کلمات الناس، ص ۵۲۲.
۴. ترمذینی، الزواج عند العرب فی الجاهلیة و الاسلام، ص ۱۳۶.
۵. همان.
۶. جواد علی، المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۵۲۷.
۷. زمخشری، ربیع الابرار و نصوص الاخیار، ج ۵، ص ۲۴۴؛ خوارزمی، مفید العلوم و مبدء الهموم، ص ۴۸۸.
۸. قاضی ابرقو، سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۱۶۷.

جایگزین آن شد که از آن جمله تغییراتی در جایگاه زن بود. اسلام با یکسان‌نگری در جوهره انسانی زن و مرد و کرامت بخشیدن به زن در همه ابعاد حیاتی او، غبار ذلت و حقارت را از چهره وی زدود که از نمونه‌های بارز آن، تبیین قوانین مهریه در ازدواج است. اسلام رسم مهریه را در ازدواج پذیرفت، اما آن را حق خود زن دانست^۱ و پدر و کسان دختر را مجاز به دریافت آن ندانست؛ چنان‌که نکاح «مقت» را که از ازدواج‌های دوره جاهلی به‌شمار می‌رفت و پسر بزرگ می‌توانست پس از مرگ پدر، با منکوح او - در صورتی که مادرش نباشد - بدون اعطای مهر ازدواج کند، منسوخ کرد. هرچند این ازدواج بیشتر از آن جهت که منکوح پدر نباید به ازدواج پسر درآید، ممنوع شده بود، اما موضوع مالی این ازدواج نیز مطرح است. همچنین ازدواج شیغار مورد انکار اسلام قرار گرفت^۲ و مهریه قرار گرفتن زنان به‌جای یکدیگر منسوخ گردید.^۳

در کنار تبیین قوانین مهریه در اسلام و آیات قرآن، شیوه پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در مورد مهریه قابل تأمل است. آن حضرت سعی داشتند با پیروی از یک شیوه یکسان، میزان مهریه را در جامعه اسلامی معین و آن را ترویج نمایند؛ هرچند هرگز این روش را تحمیل نکرده یا واجب ندانسته و مقدار مهریه را برای هرکس به اختیار خودشان گذاشتند تا وجه عاطفی و اختیاری ازدواج برای طرفین حفظ شود. آنچه حضرت در مهریه در نظر گرفته بودند، مبلغ دوازده اوقیه و یک نش بود.^۴

شایان ذکر است که در عرب جاهلی معاملات با درهم و دینار ایران و روم صورت می‌گرفت. دینار از طلا و درهم از نقره بود و ده درهم مساوی با یک دینار بود. البته گاهی قیمت یک دینار به پانزده درهم نیز می‌رسید و این روش در دوره اسلامی نیز دنبال می‌شد.^۵ تعیین نکردن یک میزان معین برای مهر به‌دلیل تأکید بر اخلاقی بودن این موضوع در ازدواج بود؛ چه آنکه مهریه هدیه‌ای بود که از طرف داماد به عروس پیشکش می‌شد و نشانه علاقه‌مندی آن دو به یکدیگر شمرده شده و به‌نوعی نگرش مادی نسبت به زن را از میان می‌برد.

حضرت برای ازدواج‌های خود و حتی دختران خود نیز همین مقدار را برای مهریه تعیین می‌کردند؛ چنان‌که مهریه حضرت فاطمه زهرا^۶ و دیگر دخترانش همچون زینب و رقیه نیز معادل

۱. نساء (۴): ۴.

۲. انبازی، الزاهر فی معانی کلمات الناس، ص ۵۲۲.

۳. ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۲، ص ۴۳۳.

۴. مقدار اوقیه چهل درهم و نش معادل بیست درهم بود که مجموعاً پانصد درهم است. (طوسی، الاستبصار، ج ۳، ص ۲۳۰)

۵. خزاعی، تخریج الدلالات السمعیه، ص ۶۱۱؛ جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، ص ۱۳۲.

همین مقدار بود.^۱ در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله مهریه همسران و همچنین مهریه دخترانش را بیش از دوازده اوقیه و یک نش تعیین نکرد.^۲ گزاره‌های متعددی میزان مهریه حضرت فاطمه علیها السلام را معادل «مهرالسنه» یا همان پانصد درهم بیان کرده‌اند. این میزان بنا بر نظر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تعیین و صرف خرید جهیزیه برای دختران می‌شد.

تمسک ائمه علیهم السلام به این مقدار از آن جهت که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن را در ازدواج خود تعیین کرده بودند، در برخی داده‌های تاریخی نمایان است؛ چنان که زمانی که یزید بن معاویه از ام‌کلثوم دختر عبدالله بن جعفر خواستگاری کرد، عبدالله اختیار این امر را به دایی دخترش، یعنی امام حسین علیه السلام واگذار نمود. مروان بن حکم در مسجد و در میان گروهی از مسلمین از طرف معاویه ام‌کلثوم را از امام حسین علیه السلام خواستگاری کرد و گفت هر مقدار پدر دختر برای مهر قرار دهد، مورد پذیرش خواهد بود؛ ضمن آنکه قرضی که عبدالله داشت نیز جزو مهریه قرار خواهد گرفت. امام حسین علیه السلام فرمودند: اینکه گفتم مهریه را هر چه پدر دختر قرار دهد می‌پذیرید، به خدا سوگند اگر ما این موضوع را می‌پذیرفتیم، از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله که برای زنان و دختران خود قرار داد، تجاوز نمی‌کردیم و اینکه گفتم ما قرض پدرش را با مهر ادا می‌کنیم، چه موقع بوده که زنان ما قرض ما را ادا کرده باشند؟ پس حضرت در همان مجلس ام‌کلثوم را به عقد پسرعمویش قاسم بن محمد با مهریه‌ای معادل مهرالسنه عقد نمودند و ملکی را در مدینه به این زوج بخشیدند.^۳ امام ضمن جلوگیری از این وصلت، بر مهرالسنه پیامبر صلی الله علیه و آله در ازدواج تأکید داشتند؛ همان‌طور که وقتی مأمون از امام جواد علیه السلام خواست تا با دخترش ام‌الفضل ازدواج کند، امام به‌صراحت مقدار مهر را پانصد درهم، معادل مهرالسنه و با تأکید بر مهریه جدش فاطمه زهرا علیها السلام تعیین کرد و این ازدواج را پذیرفت.^۴

اما در گزاره‌های تاریخی آمده است که در میان همسران حضرت رسول صلی الله علیه و آله، دو تن مهریه‌ای بیش از این مبلغ داشتند: حضرت خدیجه علیها السلام که قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان ازدواج کرد و مقدار مهریه ایشان بیست شتر جوان بود؛^۵ ام‌حبیبه دختر ابوسفیان بن حرب که در جریان هجرت به حبشه همسر خود را از دست داده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله با ارسال واسطه‌ای نزد پادشاه حبشه، ام‌حبیبه را خواستگاری کرد. نجاشی نیز خود مبلغ چهارصد دینار مهریه را به ام‌حبیبه اعطا کرد و از سعید بن عاص

۱. ابن‌کثیر، *البدایة والنهایة*، ج ۷، ص ۳۴۲.

۲. صدوق، *معانی الاخبار*، ص ۲۱۴.

۳. بحرانی، *المعالم*، ص ۸۸.

۴. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۴۴۵؛ مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵۰، ص ۷۶.

۵. برخی داده‌های تاریخی از مهریه‌ای معادل مهریه سایر همسران پیامبر یعنی همان دوازده اوقیه و یک نش در مورد حضرت خدیجه خبر می‌دهند. (ابن‌امیه، *المحیر*، ص ۷۹)

خواست تا او را به ازدواج پیامبر ﷺ در بیاورد.^۱ پذیرش این ازدواج توسط پیامبر ﷺ خود مهر تأییدی بر این شیوه پرداخت مهر و مقدار آن بود.

یکی از اقدامات نمادین پیامبر ﷺ در ازدواج‌ها، ازدواج با کنیزان بود. در عصر جاهلی زنان کنیز از جایگاهی نزد اعراب برخوردار نبودند و ازدواج با آنان تنها برای هم‌خوابی صورت می‌گرفت. به طبع فرزندان حاصل از آن نیز همچون والدین خود به‌عنوان غلام یا کنیز به خدمت‌گزاری می‌پرداختند و حتی در برخی موارد از آنها خواسته می‌شد تا به خودفروشی پرداخته^۲ و برای صاحبان خود ثروتی فراهم آورند که با ظهور اسلام این رفتار ممنوع اعلام شد.^۳ پیامبر ﷺ با ازدواج با کنیزان آنها را در جایگاه همسری و برابر با زنان آزاد قرار داد و از حقوق همسری برخوردار کرد؛ چنان‌که با صفیه و جویریة که اسرای جنگی بوده و عنوان کنیز داشتند، چنین کردند. آن حضرت صفیه را آزاد و آزادی او را مهرش قرار داد؛^۴ همچنان‌که جویریة را آزاد کرد و همراه او چهل تن از افراد قبیله‌اش را که به اسارت گرفته شده بودند، بخشود و آن را مهر او قرار داد.^۵

به‌نظر می‌رسد این نوع ازدواج خود تشویق یا ارائه الگویی از یک ازدواج آسان در اسلام است؛ ازدواجی که مشقت و مرارتی برای افراد ایجاد نمی‌کرد. بدیهی است این عمل منفعتی دو سویه برای زن و مرد داشت؛ چون باری بر دوش مرد نمی‌نهاد و از دیگر سوی، انگ بردگی از چهره زن می‌زدود؛ یعنی ازدواجی آسان به نفع مرد و ارتقای کنیزان به مقام همسری به نفع زن.

اقدام پیامبر ﷺ در ارائه الگوی مناسب ازدواج محدود به آنچه گفته شد نبود، بلکه ایشان پس از هجرت به مدینه و انعقاد پیمان برادری که باعث شد بسیاری از تعصبات قبیله‌ای از میان برود، در عملی نمادین و برابرانگارانه زید بن حارثه را که غلام و فرزندخوانده‌اش بود، با دختر عمه خود زینب بنت حشش به ازدواج درآورد تا پاره‌ای افکار و رویکردهای قبیله‌ای را که در مورد هم‌طرازی در ازدواج‌ها وجود داشت، منسوخ سازد. شاید بتوان گفت ترویج چنین روش‌هایی در جامعه اسلامی سبب شد تا ازدواج‌هایی که براساس شأنیت‌های جاهلی و تفاخرات قبیله‌ای با مهریه‌های بالا صورت می‌گرفت، تغییر کند و ازدواج‌ها براساس ملاک و اصول اسلامی امکان پذیرد؛ چنان‌که مقداد بن اسود فرزندخوانده اسود بن عبد یغوث زهری^۶ بدون در نظر گرفتن باورهای متعصبانه اعراب، از دختر

۱. ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۴۴؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۸۴۵.

۲. تعالی، اللطائف والظرائف، ص ۱۷۰.

۳. وَ لَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا. (نور (۲۴): ۳۳)

۴. ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۱۷۰.

۵. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۲۰۶.

۶. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۴۸۰.

عبدالرحمن بن عوف که از سرشناسان عرب بود، خواستگاری کرد. هرچند عبدالرحمن مساعدتی نکرد و این اتفاق در نهایت به شکوه مقداد نزد پیامبر ﷺ انجامید، اما این پیامد را به دنبال داشت که پیامبر ﷺ ضباعه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به ازدواج او درآورد.^۱

سیره پیامبر ﷺ چه در عمل و چه در گفتار، چنان که می‌فرماید: «الا تغالوا بمهور النساء فتكون عداوة؛ مهرها را سنگین نگیرید که این مایه عداوت و دشمنی است»^۲ در موارد بسیاری مورد اتباع مسلمانان قرار گرفت و آنها مهرالسنه را در میان خویش جاری می‌کردند، هرچند خلاف آن نیز دیده می‌شود. گویی مسلمانان از سنت نبوی به سهولت و آسان‌گیری و عدم توجه به ارزش‌های جاهلی نظر داشته‌اند، نه اصرار بر الگوی معین. بدین سبب در عصر خلفای اولیه که بر اثر فتوحات و غنائم ناشی از آن اوضاع معیشتی مسلمانان رو به بهبودی نهاد، وضعیت پیش‌آمده آشکارا بر میزان مهریه تأثیر گذاشت. در روایات تاریخی آمده است طلحة بن عبیدالله مهریه ام‌کلثوم دختر ابوبکر را صد هزار درهم تعیین کرد. این نخستین بار بود که پس از ظهور اسلام چنین مبلغی برای مهریه تعیین و پرداخت می‌شد.^۳ داده‌های دیگری نیز مبنی بر اینکه مبالغ زیادی برای برخی مهریه‌ها تعیین شده، وجود دارد؛ چنان‌که براساس پاره‌ای اخبار - که البته در صحت آنها چند و چون بسیاری است - عمر بن خطاب، ام‌کلثوم دختر علی بن ابی‌طالب را با چهل هزار درهم مهریه به ازدواج خود درآورد^۴ و پس از مرگ عمر، سعید بن عاص با پرداخت صد هزار درهم با ام‌کلثوم ازدواج کرد.^۵ البته به‌آسانی نمی‌توان علت چنین تغییری را ارزیابی کرد. شاید گذشته از تغییر وضع معیشت و رفاه‌مندی مسلمانان، انتساب دختر به خانواده مطرح جامعه در این امر بی‌تأثیر نبود؛ چنان‌که موقعیت خواستگاران هم می‌تواند مورد تأمل باشد.

این سنت در ادوار بعدی نیز تداوم یافت. هرچند کمبود اطلاعات دقیق و مشخص تا حدی مانع اظهارنظر نهایی می‌شود؛ جز اینکه آورده‌اند امام علی علیه السلام در ازدواجش با خوله دختر جعفر که در روزگار ابوبکر از قبیله بنی‌حنیفه به اسیری گرفته و سهم وی شده بود، پس از آگاهی از شأن اجتماعی و خانوادگی‌اش او را آزاد کرد و با تعیین مهریه به همسری خود درآورد، اما میزان مهریه در منابع ذکر نشده است.^۶

۱. همان.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۳.

۳. ماوردی، ادب الدنیا والدین، ص ۱۵۳.

۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵.

۵. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۱۵.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۳.

مهریه در دوره بنی‌امیه

پس از کشورگشایی‌های اعراب، غنائم فراوانی اعم از طلا، نقره، غلام و کنیزان به دیار مسلمانان سرازیر گردید. ثروت اشراف و بزرگان قریش روز به روز بیشتر شد و املاک و مستغلات آنان گسترش یافت و به طبع بر تعداد غلامان و کنیزان آنان افزوده شد. حضور کنیزان که به‌عنوان غنائم جنگی جمعیت زیادی از زنان را تشکیل می‌داد، تغییراتی در نحوه تعامل مردان مسلمان در ازدواج و نهاد خانواده پدید آورد.

برخی عوامل در تعامل زنان کنیز در جامعه سبب شد تا فساد در جامعه شیوع پیدا کند، مخنثان در شهرها افزایش یابند و غزل‌سرایی و اظهار عشق به زنان در شعر شاعران زیاد شود و به گفته جرجی زیدان قدر قیمت زن پایین بیاید.^۱

هرچند در بسیاری از موارد، ازدواج با کنیزان به‌عنوان همسر صورت نمی‌گرفت و زنان کنیز تنها به‌عنوان مایملک مرد به‌حساب می‌آمدند، اما بی‌شک فزونی این زنان در جامعه اسلامی از یک سو و آموزش آنان در فنون دلبری و مغالزه و قیمت کمی که دستیابی به آنان را سهل و مقدور می‌کرد، در ترغیب مردان به‌سوی آنان اثرگذار بود. علاوه بر این، آنچه در مورد کنیزان اهمیت دارد این است که به این زنان مهریه‌ای تعلق نمی‌گرفت و دادن نفقه به آنان واجب نبود. برخی برده‌فروشان و شاعران نیز مردم را به ازدواج با کنیزان ترغیب می‌کردند؛ از جمله آنکه عتابی، از کنیزفروشان مشهور آن عصر می‌گوید: زمانی که کمی معونه و کمی نفقه و بهترین خدمت و بزرگی را خواهان باشید، پس با کنیزان ازدواج کنید.^۲

شاید همین عوامل سبب شده بود تا مهریه‌ها در برخی مناطق بسیار پایین بیاید؛ چنان‌که در گزاره‌ای آمده است: عامر بن مسعود بن امیه که پس از مرگ یزید بن معاویه والی کوفه شد، با زنی از بنی‌نصر بن معاویه ازدواج کرد و از مقدار مهریه‌ها در کوفه پرسید. زن گفت: در کوفه تنها چهار درهم بابت مهریه به زن تعلق می‌یابد.^۳

با این حال مهریه امری اختیاری بود و مقدار آن به توافق طرفین منوط می‌شد. در این شرایط هم برخی زنان عرب که در بزرگی و شرافت و نسب دارای جایگاهی بودند، از مهریه‌های بالایی برخوردار می‌شدند؛ از جمله آنها سکینه بنت الحسین علیها السلام می‌باشد. زمانی که وی با مصعب بن زبیر ازدواج کرد، یک میلیون درهم مهریه دریافت کرد. همسر دیگر مصعب نیز عایشه دختر طلحه بود که

۱. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۵، ص ۸۲.

۲. ثعالبی، اللطائف والظرائف، ص ۱۶۹.

۳. عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۴۸۹؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۲، ص ۳۱۹.

مهریه او نیز یک میلیون درهم ذکر شده است. برخی زیبایی و شرافت این دو زن را عامل زیادی مهر آنان دانسته‌اند.^۱

از مطالب جالب توجه در عصر بنی‌امیه، تعیین نرخ معینی برای مهریه در عصر عبدالملک بن مروان است. این خلیفه مبلغ چهار صد دینار را برای مهریه زنان تعیین کرد. برخی مورخان معتقدند تعیین این میزان بنابر مهری است که پیامبر ﷺ برای ازدواج با ام‌حبیبه پذیرفته بود.^۲ ماجرای تعیین نرخ مشخص برای مهریه در دوران حکومت عبدالملک از آنجا بود که او از زینب دختر عبدالرحمن بن حارث که از زنان زیبای عصر خود به‌شمار می‌رفت و به‌تازگی همسر خود را از دست داده بود، خواستگاری کرد و از یحیی بن حکم خواست تا نزد وی رفته و خواسته‌اش را مطرح کند. یحیی نزد مغیره، برادر زینب رفت و با پیشنهادی - چهل هزار دینار - بیش از آنچه عبدالملک به‌عنوان مهر فرستاده بود، زینب را به عقد خود درآورد. این امر بر عبدالملک بسیار گران آمد. از این‌رو فرمان داد اموال یحیی را مصادره کنند و بر آن شد تا نرخ معین برای مهریه همه زنان تعیین کند، با این تصور که اگر مقدار مهریه یکسان باشد، زنان تنها براساس فضیلت به انتخاب دست می‌زنند. بنابراین دستور داد تا مهر زنان در عصر او از چهار صد دینار بیشتر نباشد.^۳

مهریه در دوره بنی‌عباس

با به قدرت رسیدن عباسیان در سال ۱۳۲ ق اوضاع سیاسی و حکومتی تغییر یافت و به‌دنبال آن تحولاتی در آداب و سنن اجتماعی رخ نمود. سفاح اولین خلیفه عباسی، در ازدواج خود با ام‌سلمه مقدار مهریه را از خود او دریافت کرد؛ هرچند این امری شخصی بود. ماجرا بدین قرار بود که زمانی که ام‌سلمه برای اولین بار سفاح را دید، او را نیکوچهره یافت و کنیزش را نزد او فرستاد و از وی درخواست ازدواج کرد. سفاح در پاسخ گفت: من مالی برای اعطای مهریه ندارم. ام‌سلمه با شنیدن این پاسخ مبلغ هفت صد دینار برایش فرستاد. سفاح پانصد دینار را مهر و دویست دینار را به‌عنوان هدیه به او اعطا کرد.^۴ اما همین که پایه‌های قدرت در خلافت جدید استحکام یافت و مردم حکومت جدید را پذیرفتند، تاریخ دوباره شاهد عیاشی‌ها و هرزگی‌های خلفای جدید همانند خلفای اموی است، با این تفاوت که دیگر از تعصب و توجه به شرافت و نسب در ازدواج‌ها که بیشتر اعراب در عصر

۱. ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۷، ص ۱۳۳؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج

۷، ص ۱۷۶؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۱۷۶.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۶۹، ص ۱۴۵.

۳. اصفهانی، الاغانی، ج ۲۶، ص ۴۱۵؛ بلاذری، جمل من انساب و الاشراف، ج ۱۰، ص ۱۷۷.

۴. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۶۰.

بنی‌امیه داشتند، اثری نبود. دلیل چنین امری نیز ازدواج خلفا و بزرگان عباسی با کنیزان و توجه مفرط آنان به زنان غیرعرب بود.^۱

در گزاره‌های تاریخی آمده است که خلفای عباسی مبالغ زیادی صرف خرید کنیزان می‌کردند؛ چنان‌که هارون‌الرشید کنیزی را به صد هزار دینار و کنیز دیگری را به سی و شش هزار دینار خرید و پس از سپری کردن یک شب با آنان، کنیزان را به فضل بخشید.^۲

بدین ترتیب انتخاب زانی بدون پرداخت مهر در جامعه اسلامی بسیار متداول شده بود. آورده‌اند روزی خالد بن صفوان به دیدن سفاح آمد و از او بابت تعهدی که به همسرش مبنی بر عدم ازدواج مجدد داده بود، انتقاد کرد و سپس در وصف زنان کنیز در شهرهای مختلف برایش سخن گفت. هرچند وی بابت چنین سخنانی از طرف همسر سفاح مجازات شد، اما سخنان او اوضاع زنان کنیز و کثرت و وضعیت چنین زنانی را روشن می‌کند.^۳

براساس برخی اطلاعات تاریخی می‌توان به میزان مهریه در آن زمان پی برد. از جمله آورده‌اند ابویوب موریانی از وزرای منصور عباسی که به جوانمردی شهره بود، به شخصی به‌نام ابن‌شبرمه مبلغ پنجاه هزار دینار عطا کرد. این در حالی بود که ابن‌شبرمه تنها دو هزار درهم برای مهریه‌ای که برای عروسش تعیین کرده بود، از او کمک خواسته بود.^۴ از این گزاره تاریخی به‌خوبی می‌توان به ثروتمندی وزاری عباسی و میزان مهریه در آن عصر پی برد؛ چنان‌که در جریان شکایتی در مورد مهریه که در سال ۱۸۶ ق روی داد، میزان مهریه‌ای که زن ادعا می‌کرد پانصد دینار بود.^۵

میزان مهریه‌ای که مأمون برای پوران دختر فضل بن سهل در نظر گرفت - هزار قطعه یاقوت - نیز جلوه‌ای از شکوه و ثروت شاهانه‌ای بود که مأمون می‌خواست آن را به رخ دیگران بکشد و اوج تجمل و ثروت بیش از حد خود را نشان دهد؛ چنان‌که بسیار بیشتر از این مبلغ را صرف هزینه برگزاری مراسم عروسی کرد. اما به نظر می‌رسد این مهریه به نسب یا زیبایی پوران ربطی نمی‌یافت.

مقادیر و شیوه‌های تعیین مهر

برابر آنچه گفته آمد، روشن شد که میزان مهریه در دوران‌های مختلف، اعداد و ارقام متفاوتی داشته است و

۱. اطرقجی، المرآة فی الادب العباسی، ص ۴۳.

۲. اصفهانی، الاغانی، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۶۱.

۴. طباطبائی، الفخری فی الادب السلطانیة و الدول الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۷۴.

۵. ابن‌عساکر، تاریخ مدینة الدمشق، ج ۶۰، ص ۳۹۴؛ بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳۱، ص ۵۵.

۶. نویری، نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۲۲، ص ۲۲۵.

نرخ آن به شرایط و نگرش‌های اجتماعی نیز بستگی داشت. شایان ذکر است حجم اطلاعات به دست آمده در خصوص ازدواج‌ها در سده اول و دوم هجری اندک است که عموماً به میزان مهریه و شیوه پرداخت آن توجهی نکرده‌اند، جز گزارشات کمی که در این بخش به قسمتی از آنها اشاره می‌شود. مهریه در دو سده مذکور مادی نبود؛ چنان‌که در گزاره‌ای آمده است ام‌سلیم در صدر اسلام مهریه خود را مسلمان شدن خواستگارش، یعنی ابوطلحه که هنوز مسلمان نشده بود، قرار داد. پیامبر ﷺ نیز با شنیدن این مهر آن را پذیرفت و تأیید کرد.^۱ از دیگر مهریه‌های آن عصر تعلیم سوره‌ای از قرآن به عنوان مهریه بود که خود پیامبر ﷺ برای یکی از مسلمانان در نظر گرفت.^۲ یکی دیگر از مهریه‌های غیرمادی در صدر اسلام، مهریه قطام است. این زن انتقام‌جو برای خون‌خواهی پدر و برادرانش، علاوه بر سه هزار درهم، یک غلام و یک کنیز، کشتن امام علی ﷺ را نیز جزو مهر خود قرار داد.^۳

سایر مهریه‌های ذکر شده در تاریخ همان مبالغی بود که با درهم و دینار محاسبه می‌شد و گاهی اموالی نیز به عنوان مهریه به زن اعطا می‌شد؛ چنان‌که قبيله کنده که در عصر جاهلی صد شتر را مهر دختران قبيله خود قرار می‌دادند، در سال ۱۲۲ ق نیز همان صد شتر را به عنوان مهریه قرار می‌دادند و چه بسا مهریه یک زن در این قبيله از این مقدار نیز بیشتر می‌شد.^۴

غلامان و کنیزان نیز که به عنوان مال به حساب می‌آمدند، گاهی در مهریه‌ها به جای پول نقد یا به عنوان بخشی از مال، به زن اعطا می‌شد؛ چنان‌که پدر و مادر حسن بصری از بردگانی بودند که به عنوان بخشی از مهریه در اختیار زنی از خاندان سلمه انصار قرار گرفته بودند.^۵ البته در بعضی موارد غیر از مقداری که برای مهریه تعیین می‌شد، هدایایی نیز به زن برای نشان دادن حسن‌نیت یا صداقت و علاقه‌مندی مرد اعطا می‌شد؛ از جمله آنکه پس از مرگ مصعب بن زبیر، عمر بن عبیدالله بن معمر از عایشه دختر طلحه خواستگاری کرد و هزار درهم نزدش فرستاد؛ پانصد درهم برای مهریه و پانصد درهم به عنوان هدیه.^۶

پرداخت مهریه همواره برعهده داماد و خانواده‌اش بود؛ ولی اگر کسی این مال را به جای داماد می‌پرداخت نیز ازدواج صورت می‌گرفت؛ همان‌طور که نجاشی چهار صد دینار به عنوان مهریه به

۱. عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۴۰۹.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۶۱.

۳. دینوری، اخبار الطوال، ج ۱، ص ۲۱۳.

۴. کحاله، معجم قبایل العرب القديمه و الحديثه، ج ۳، ص ۱۰۰۰.

۵. بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۳۳۵.

۶. نویری، نهایة الارب فی فنون الادب، ج ۴، ص ۲۷۷.

ام‌حبیبه پرداخت کرد و او را به ازدواج پیامبر ﷺ درآورد.

وجه حقوقی و مالی مهریه در ازدواج، ازجمله مسائلی بود که گاه در نزاع‌ها و اختلافات میان زوجین مطرح می‌شد و دعاوی‌ای نسبت به آن شکل می‌گرفت؛ چنان‌که در اولین دعوایی که بر سر مهریه در عصر پیامبر ﷺ رخ داد، حبیبه دختر سهل انصاری و همسر ثابت بن شماس، خواهان جدایی از همسر خود بود. او نزد پیامبر ﷺ آمد و خواسته‌اش را مطرح کرد. پیامبر ﷺ پرسید: آیا آن باغ که بابت مهریه تو تعیین شد، اکنون در اختیار توست؟ حبیبه پاسخ داد: بله. رسول الله ﷺ از ثابت بن شماس خواست با قبول باغ که مهر حبیبه بود، او را طلاق دهد. این اولین طلاق خلعی بود که در تاریخ اسلام صورت گرفت.^۱ بنابراین علاوه بر پول نقد یا بردگان و کنیزان، گاه اموال و مستغلات نیز جزو مهریه زنان قرار می‌گرفت. از گزارش‌های شنیدنی در دعاوی مهریه مربوط به شکایتی است که در سال ۱۸۶ ق روی داد؛ زنی برای گرفتن مهریه خود که پانصد دینار بود، به شکایت نزد قاضی رفت و ادعا کرد همسرش آن را به او نپرداخته است. قاضی برای اثبات ادعای زن شاهدانی را به دادگاه فرا خواند تا ضمن شناسایی زن، درخصوص مدعای وی شهادت دهند؛ اما وقتی در دادگاه از زن خواستند برای شناسایی نقاب از صورت خود بردارد، برای شوهر گران آمد و گفت: نقاب از چهره‌اش برندارید و بدین‌گونه ادعای زن را پذیرفت و مهریه را برعهده گرفت. زن نیز وقتی این موضوع را شنید، از شکایت خود صرف‌نظر کرد و مهریه را به همسرش بخشید.^۲

اما مسئله مهریه تنها با طرح شکایت و ادعا برای وصول آن مطرح نمی‌شد. در برخی موارد که اختلافات زوجین منجر به طلاق می‌شد، مرد مالی را به‌عنوان مهریه به زن می‌داد و این در صورتی بود که مقداری از مبلغ مهریه نزد او باقی مانده باشد؛ همچنان‌که زمانی که حجاج بن یوسف همسرش هند دختر مهلب را طلاق داد، صد هزار درهم بابت مهریه برایش فرستاد؛ هرچند هند این مال را نپذیرفت.^۳ به هر روی چنین به‌نظر می‌آید که چنانچه زن پس از ازدواج میزان مهر را دریافت نکرده بود یا بخشی از آن هنوز بر ذمه مرد بود، پس از طلاق و جدایی به آن مال دست می‌یافت. با این حال در هیچ‌یک از داده‌های تاریخی مطلبی مبنی بر اینکه زنان با مالی که به‌عنوان مهریه دریافت می‌کردند، چه رویکرد و عملکردی داشتند، ذکر نشده است.

نتیجه

روشن شد که مهریه در دین مبین اسلام امری امضایی بوده که دسته‌ای از قوانین اسلامی بدان

۱. ابن اثیر، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، ج ۶، ص ۵۱.

۲. ابن عساکر، *تاریخ مدینة الدمشق*، ج ۶۰، ص ۳۹۴؛ *تاریخ بغداد*، ج ۱۳، ص ۵۵.

۳. گردیزی، *زین الاخبار*، ج ۱، ص ۲۴۶.

افزوده شد. تأکیدات و عنایت رسول الله ﷺ به مسئله مهریه و پیروی ایشان از روشی یکسان در بیشتر ازدواج‌هایشان، فرهنگ مهرالسنه را در جامعه اسلامی مطرح کرد و به آن صورتی استجابی بخشید؛ هرچند با تغییر اوضاع معیشتی مسلمانان و ثروت ناشی از فتوحات پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ مقدار مهریه در برخی ازدواج‌ها افزایش یافت؛ تا آنجا که اولین مهریه هنگفت در تاریخ اسلام به دختر ابوبکر اختصاص یافت.

با قدرت گرفتن بنی‌امیه و به اوج رسیدن فتوحات، سیل عظیمی از زنان کنیز وارد شهرهای اسلامی شد که در نحوه تعاملات مردان با ازدواج و مسئله مهریه تأثیر گذاشت. حضور آزادانه کنیزان در اجتماعات مسلمانان و مجالس لهو و غنا منجر به نوعی فساد اخلاقی در جامعه اسلامی شد و به تدریج تمایل افراد را به ازدواج با کنیزان که مهری به آنان تعلق نمی‌گرفت و گاه قیمت چندانی نیز نداشتند، افزایش می‌داد. همین امر سبب شده بود در برخی مناطق نرخ مهریه بسیار پائین بیاید؛ اما توجه خلفا و حکما به شرافت و نسب زنان عرب در این عصر باعث می‌شد تا برخی زنان مهریه‌های گزافی دریافت کنند. این وضع در دوره بنی‌عباس نیز ادامه یافت؛ با این تفاوت که دیگر شرافت و نسب در ازدواج‌ها اهمیتی نمی‌یافت و خلفا و بزرگان نیز کنیزان را برای ازدواج انتخاب می‌کردند.

آداب و رسوم مهریه در بسیاری از ازدواج‌ها در میان مسلمانان مشابه بود؛ از جمله آنکه تعیین مقدار مهریه میان پدر و ولیّ دختر با داماد و خانواده‌اش صورت می‌گرفت، ولی زنانی که همسران خود را از دست داده بودند یا از آنان جدا شده بودند، خود مقدار مهر را تعیین می‌کردند. همچنین در بیشتر موارد مهریه در ابتدا به زن تعلق می‌گرفت، اما گاهی پس از آنکه اختلاف میان زوجین بالا می‌گرفت و مبحث طلاق مطرح می‌شد، مهریه زن به او اعطا می‌گشت.

نکته دیگر آنکه غیر از درهم و دینار، اموال دیگری همچون غلام و کنیز و شتر به‌عنوان مهریه به زن تعلق می‌یافت و گاه مبلغی به‌عنوان هدیه، غیر از مبلغی که برای مهر تعیین می‌گشت به زن داده می‌شد. جامعه شیعه نیز از این آداب رسوم پیروی می‌کرد؛ چه آنکه به‌عنوان قشری جدا از جامعه اسلامی مطرح نبود و مطلبی مبنی بر تغییر خاصی در شیوه‌ها و آداب و رسوم آنان در گزاره‌های تاریخی مطرح نشده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، عزالدین، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن‌امیه، محمد بن حبیب، *المحبر*، تحقیق ایلزه لیختن ستیر، بیروت، دارالافاق الجدیدة، بی تا.

٤. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دارالکتاب العلمیه، ج ١، ١٤١٢ ق.
٥. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع هاشمی، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد صامل سلمی، الطائف، مکتبه صدیق، ج ١، ١٤١٤ ق.
٦. ابن عبدالبر، عبدالله بن محمد، *الاستیعاب فی معرفه اصحاب*، تحقیق محمد البحاولی، بیروت، دارالجبل، ج ١، ١٤١٥ ق.
٧. ابن عساکر، *تاریخ مدینه الدمشق*، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ ق.
٨. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٧ ق.
٩. ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ١، ١٤٠٥ ق.
١٠. ابن هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
١١. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، *الاعانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ١، ١٤١٥ ق.
١٢. ابوشقه، عبدالحلیم محمد، *تحریر المرآة فی عصر الرساله*، بی جا، دارالقلم النشر، ج ٤، ١٤١٦ ق.
١٣. الاطرقجی، واجد مجید، *المرآة فی الادب العباسی*، امارات متحده عربی، مرکز زاید للتراث و التاریخ، ١٩٨٧ م.
١٤. الانبازی، ابوبکر، *الزاهر فی معانی کلمات الناس*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ١، ١٤٢٤ ق.
١٥. بحرانی، عبدالله، *العوامل*، تحقیق مدرسه الامام المهدي، قم، نشر امیر، ج ١، ١٤٠٧ ق.
١٦. بغدادی، خطیب، *تاریخ بغداد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ١، ١٤١٧ ق.
١٧. بلاذری، احمد بن یحیی، *جمل من الانساب و الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ج ١، ١٤١٧ ق.
١٨. _____، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ١٩٨٨ ق.
١٩. ترمذی، عبدالسلام، *الزواج عند العرب فی الجاهلیة و الاسلام*، قاهره، دار طلاس، ج ٣، ١٩٩٦ م.
٢٠. ثعالبی، ابومنصور، *اللطائف و الظرائف*، بیروت، دارالمناهل، بی تا.
٢١. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ١، ١٤٠٩ ق.
٢٢. حلّی، مقداد بن عبدالله سیوری، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، انتشارات مرتضوی، ج ١، ١٤٢٥ ق.
٢٣. خزاعی، علی بن محمد، *تخریج الدلالات السمعیه*، بیروت، دار المغرب الاسلامی، ج ٢، ١٤١٩ ق.
٢٤. خوارزمی، مفید العلوم و مبداه الموم، بیروت، مکتبه عنصری، ١٤١٨ ق.
٢٥. دنیوری، ابن قتیبه، *عیون الاخبار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٨ ق.
٢٦. دنیوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، *اخبار الطوال*، قم، منشورات رضی، ١٣٦٨ ق.
٢٧. ذهبی، شمس الدین، *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام*، بیروت، دار الکتب العربی، ج ٢، ١٤١٣ ق.

۲۸. زمخشری، جارالله، *ربیع الابرار و نصوص الاخبار*، بیروت، مؤسسه اعلمی، ج ۱، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.
۳۰. شرف‌الدین، سید حسین، *تبیین جامعه‌شناسختی مهریه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ج ۱، ۱۳۸۰.
۳۱. صدوق، ابومحمد محمد بن علی، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین قم، ج ۱، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. صفایی، حسن، *حقوق خانواده*، قم، نشر دادگستر، ج ۲، ۱۳۷۸.
۳۳. طباطبای، محمد بن علی، *الفخری فی الادب السلطانی و الدول الاسلامیه*، بیروت، دار القلم العربی، ج ۱، ۱۴۱۸ ق.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ج ۱، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تحقیق سید محمد کشفی، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ج ۳، ۱۳۸۷ ق.
۳۶. طوسی، حسن، *الاستبصار*، قم، دارالکتب الاسلامی، بی تا.
۳۷. عسقلانی، احمدالله بن علی بن محبر، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد الموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳۸. علی، جواد، *المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، جامعه بغداد، ج ۲، ۱۴۱۳ ق.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، بی جا، مؤسسه دار الهجرة، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.
۴۰. قائم مقامی، *آزادی یا اسارت زن*، تهران، نشر جاوید، ۱۳۶۵.
۴۱. قاضی ابرقو، نصر بن اسحاق بن محمد، *سیرت رسول الله*، تهران، خوارزمی، ج ۳، ۱۳۷۷.
۴۲. کحاله، عمر رضا، *معجم قبایل العرب القدیمة و الحدیثه*، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۷، ۱۴۱۴ ق.
۴۳. گردیزی، ضحاک بن محمود، *زین الاخبار*، تهران، دنیای کتاب، ج ۱، ۱۳۶۳.
۴۴. ماوردی، ابوالحسن، *ادب الدنيا والدین*، بیروت، دار المكتبة هلال، ۱۴۲۱ ق.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار*، تهران، نشر الاسلامیه، بی تا.
۴۶. مسعودی، علی بن الحسین، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، قم، دارالهجره، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا، ج ۳۹، ۱۳۸۴.
۴۸. مقریزی، *امتاع الاسماع بما للنبی من الاموال و الاحوال و الهذنه و المتاع*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۲۰ ق.
۴۹. مهریزی، مهدی، *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۱۳۸۲.
۵۰. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل بیت، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.
۵۱. نویری، شهاب‌الدین، *نهاية الارب فی فنون الادب*، قاهره، دار الکتب الوثائق القومیه، ج ۱، ۱۴۲۳ ق.
۵۲. نیشابوری میرانی، *مجمع الامثال*، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۷ ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی